

مدیریت شهری

شماره ۳۲ پاییز و زمستان ۹۲

No.32 Autumn & Winter

۱۶۳-۱۸۴

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۲/۵

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۴

ارزیابی ابعاد اجتماعی محله های شهری در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی محله های شهر شیراز

مجید عبدالمهی* - دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Assess the social dimensions of urban neighborhoods in the context of social capital perspective; case study: shiraz

Expansion of urbanism during late decade causes new challenges such the decrease in the identity feeling and society belonging, increment of environmental discordant, lack of ecologic adjustment and totally reduction of living quality in cities. Programming new approaches and theories and urban management for solving of above problems, usage of cooperative approach, social mobilization and the bottom-top programming have been considered at itself focus. Fulfillment of this approach needs definition of new division system of space on the urban management and programming framework which on the basis of traditional management experiences, neighborhood because of its theoretical values, applicable and programming aspects, it can be considered as the basic element and axis of this programming. necessity of Pay attention to this concept in the urban programming system is justified, for some reason such as establishment of integrated, cooperative and rationalist management, adaptation of cultural and social changes by necessity factors on the dwelling and living in cities especially today metropolis, attempt to the domestic and local values and attitudes, empowering of identity feeling and also social belonging. In this framework, the main purpose of the present thesis is review of historical changes, role and action, space organization of Iranian urban neighborhood during different period and effort for presentation of sustainable pattern of neighborhood living, agreement of socio-economical and cultural requirements of current years for urban development. As a result, these life conditions, values and foundations in urban neighborhood were undergoing and fundamental changes, by locating city and urban neighborhood to modern elements and symbols, establishment of polar structure in the urban neighborhood were accepted principle of that era. Structural elements and new operation in the urban neighborhood which has been outstanding during this period. New structural elements and functions were created in urban neighborhood space that didn't exist before this experience, and management of neighborhood has been changed by establishment of new bureaucracy as a form of City Council and municipality. In fact, being less important the principles of Iranian native culture and replacing & superiority of western thought in urban neighborhood structure, has played a key role and On the other hand, development with fundamental changes has had particularities of exotic development. Due to these conditions, it is possible to achieve to sustainable neighborhood pattern in the Iran cities perspective and specially metropolis with empowering propriety of social capital and factors on the basis of reliance, belonging, social cohesion of neighborhood, community oriented urban management in Iran and establishment of management system which has power and authority, cooperation, responsible, legitimate and institution oriented.

Keywords: neighborhood, local society, social capital, neighborhood governance, shape of neighborhood, sustainable neighborhood.

چکیده

گسترده‌ی ابعاد شهرنشینی در طی دهه‌های اخیر موجب بروز چالش‌های نوینی از جمله کاهش حس هویت و تعلق اجتماعی، افزایش ناپهنجاریهای محیطی، عدم تعادل اکولوژیک و در مجموع کاهش کیفیت زندگی در شهرها شده است. رویکردها و نظریه‌های نوین برنامه ریزی و مدیریت شهری برای چاره جویی این تنگناها، استفاده از راهبرد مشارکتی، بسیج اجتماعی و برنامه ریزی از پایین به بالا را در کانون توجه خود قرار داده است. تحقق این راهبرد مستلزم تعریف نظام تقسیمات فضایی جدیدی در چارچوب سلسله مراتب مدیریت و برنامه ریزی شهرهاست که مبتنی بر تجارب مدیریت سنتی، محله می تواند به دلیل دارا بودن ارزشهای نظری و کاربردی، عنصر پایه و محور چنین برنامه ریزی تلقی شود. برای ارائه چارچوب نظری در گام نخست پارادایم توسعه پایدار به عنوان پایه نظری تعریف و نظریه سرمایه اجتماعی جهت دستیابی به چارچوبی برای ساختار محله پایدار در بعد اجتماعی تعیین و ملاک عمل قرار گرفت. برپایه این الگو بعد اجتماعی، بسترساز توسعه اجتماعی عدالت گرا، مشارکت پذیر و اعتمادزا، در سطح محله های شهری می باشد. روش شناسی انجام پژوهش در چارچوب دیدگاه قیاسی و استقرایی و رویکرد غالب آن اسنادی - پیمایشی است و با کمک های تکنیک های نمونه گیری اجتماعی سعی در تعمیم نتایج حاصل از این تحقیق به محلات شهر شیراز می باشد. تحلیل سه سطحی از محله های شهر شیراز در قالب ۲۵۰ نمونه و در ۱۰ محله منتخب صورت گرفت. بر اساس یافته های میدانی این پژوهش سازمان فضایی منتج از شرایط و تحولات تاریخی محله های شهری در چارچوب الگوی مورد انتظار از توسعه پایدار محله ای نشان می دهد که در پی تغییرات و شرایط فعلی حاکم بر محله های شهری، بعد اجتماعی به ویژه حس تعلق، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی دچار واگرایی اساسی شده است. در نتیجه این شرایط دستیابی به الگوی محله پایدار در چشم انداز شهرهای ایران و به ویژه کلانشهرها با اولویت تقویت ابعاد و مولفه های سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد، حس تعلق، همبستگی اجتماعی محله ای و اجتماع محور بودن مدیریت شهری در ایران میسر می باشد.

واژگان کلیدی: محله، اجتماع محلی، سرمایه اجتماعی، حکمروایی محله ای، شکل محله، محله پایدار.

۱- مقدمه و طرح موضوع

سرمایه اجتماعی است، مفهومی که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است و شاید بتوان در صورت کاربست اصول آن برخی از نیازمندی‌های عرصه‌های جمعی در محله را زنده ساخت و روح تعامل، اعتماد و کار جمعی را در نظام فعلی شهرسازی و شهرنشینی مورد توجه قرار داد. در این نوشتار ضمن تبیین مفاهیم ومولفه‌های پایه سرمایه اجتماعی، دیدگاه‌های مختلف نظریه پردازان این عرصه مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از جمع بندی نقش و جایگاه این ایده نظری، در بحث محله با هدف دستیابی به مجموعه اصول و معیارهای مورد پذیرش برای پایداری محله تشریح می‌گردد. پرسش اساسی این است که با توجه به معیارها و شاخص‌های مستخرج از مباحث نظری و در چارچوب روش شناسی تعیین شده «آیا ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی در بین محله‌های شهری شیراز تفاوت‌های معنی داری را نشان می‌دهد یا این شاخص‌ها بین محلات یکسان و دارای تفاوت محسوسی نمی‌باشد؟»

۲- روش بررسی

رویکرد غالب پژوهش حاضر، اسنادی - پیمایشی می‌باشد. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از داده‌های مورد نیاز از متون، گزارش‌های تاریخی، مقالات و کتب داخلی و خارجی و اطلاعات موجود گردآوری می‌شود رویکرد اسنادی^۱ به عنوان یکی از رویکردهای غالب بود. همچنین این پژوهش دارای رویکرد پیمایشی نیز می‌باشد و برخی از داده‌های آن از طریق پرسشنامه مشتمل بر ۱۰۱ سوال و انجام مصاحبه مطابق تعداد جامعه نمونه، گردآوری می‌گردد. بدین منظور با کمک‌های تکنیک‌های نمونه گیری اجتماعی سعی در تعمیم نتایج حاصل از این تحقیق به محلات شهر شیراز می‌باشد. پیمایش حاضر از نوع توصیفی^۲ و تبیینی است. این پژوهش به توضیح و تشریح وضعیت پایداری محلات شهر شیراز و بررسی روابط بین متغیرها و سازه‌ها به منظور تبیین و تفسیر عوامل اثرگذار بر پایداری محلات مربوطه می‌پردازد. در این تحقیق به منظور انتخاب مناسب واحدهای نمونه، از روش نمونه گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. در مرحله

اصولا برای انجام فعالیت‌های مختلف نیاز به وجود سرمایه‌ای است که برپایه آن بتوان برنامه‌های از پیش تعریف شده را به مقاصد و اهداف تعیین شده گره زد. زندگی در عرصه‌های جمعی نیز اقتضائات خاص خود را داشته و شهروندان از طریق ارتباط و تعامل سازنده با یکدیگر می‌توانند امور مشترک را محقق سازند. مجموعه‌ای از شبکه‌ها با نقش واسط و ارتباط دهنده ارزشهای مشترک خود را با سایر اعضا شبکه به اشتراک گذارند. تقسیم بندی انواع سرمایه‌های موجود از توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی حکایت دارد. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از هنجارها، شبکه‌ها و سازمانهایی اطلاق می‌شود که مردم از طریق هریک از آنها قدرت و توانایی‌هایی را کسب می‌کنند، که آنها را قادر به تصمیم گیری و تدوین سیاست می‌سازد. طبق این ایده، مشارکت در گروه‌های اجتماعی، نتایج سودمندی برای فرد و جامعه دارد و زمینه‌های لازم را برای فعال نمودن اقشار مختلف و ایجاد ظرفیتهای مهمی در آنها فراهم می‌کند. دورکیم در کتاب درباره تقسیم کار اجتماعی از تاثیر قدرت اخلاقی گروه‌ها، برای مهار خودخواهی‌های فردی و ایجاد همبستگی مشترک در میان اعضا سخن گفته است. شاید دو عامل اصلی که سبب اهمیت یافتن بحث سرمایه اجتماعی شده، نخست، تاکید آن بر پیامدهای مثبت جامعه پذیری و دوم، قرار دادن پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی در چارچوب بحث سرمایه و توجه به این موضوع باشد که چگونه اشکال غیر پولی نظیر قدرت، نفوذ و شبکه‌های ارتباطی می‌توانند مانند دارایی‌ها و حساب بانکی افراد عمل کنند (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۸). با عنایت به مفهوم سرمایه اجتماعی می‌توان توسعه را غنی سازی کنش‌های اجتماعی ناشی از افزایش تمایل به مشارکت و اعتماد اجتماعی دانست. در این صورت گذر به توسعه از مسیر ایجاد نهادها، تعادل‌های ارزشی، باورها و هنجارها و ساختارهای مولد و مشوق سرمایه اجتماعی امکان پذیر است (تشکر و معینی، ۱۳۸۱، ص ۳۷). در مباحث مربوط به توسعه محله‌ای نیز یکی از مفاهیم اساسی، توجه به رویکردهای غالب در

1 -Documentry Research

2 -Descriptive

اول براساس شاخص‌های توسعه کالبدی، سابقه تاریخی و سایر عوامل پارامتریک و موثر در موضوع محله‌های شهری، مناطق هشت گانه شیراز طبقه‌بندی شده و بر حسب خصوصیات و ویژگی‌های غالب منطقه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، در نهایت چند ناحیه اصلی تعریف و تعیین گردید. در مرحله دوم محلات مورد نظر انتخاب گردید و در مرحله آخر تعداد نمونه مورد نیاز پس از بررسی واریانس صفت اصلی تحقیق و با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و از طریق نمونه‌گیری سیستماتیک از ساکنین این محلات پرسشگری گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ساکنین محله‌های شیراز می‌باشد. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر شیراز ۱۲۲۷۳۵۱ نفر بوده که در مساحتی بالغ بر ۱۴۴۰۲ هکتار سکونت داشته اند. با استفاده از واریانس صفت (صفات) مورد نظر و پیش‌آزمون در سطح ۲۵ نفر حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۲۹ نفر برآورد گردید که به منظور افزایش دقت داده‌ها، حجم نمونه کل برابر ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. مطابق موارد فوق در مرحله اول براساس مطالعات انجام شده در قالب طرح توسعه و عمران شهر شیراز توسط مهندسين مشاور پیگیران و نقش جهان

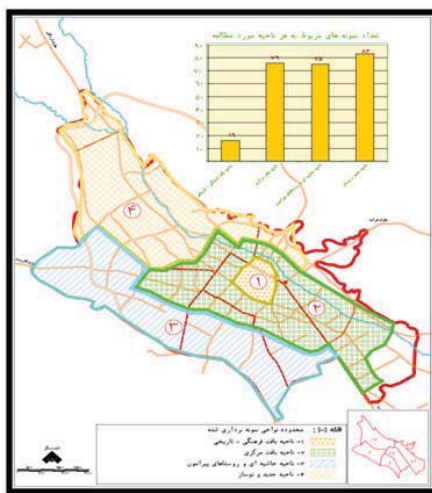
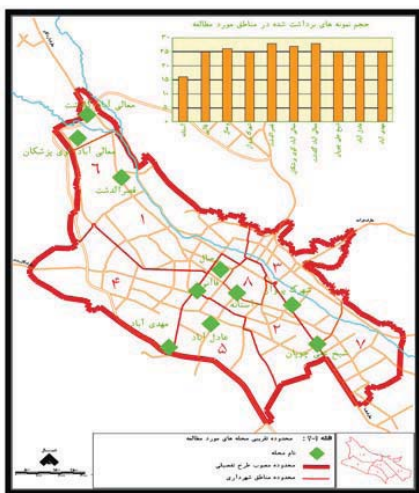
پارس و ویژگی‌ها و شاخص‌های محله، شهر شیراز به چهار ناحیه عمده شامل ناحیه تاریخی - فرهنگی، ناحیه بافت مرکزی، ناحیه بافت حاشیه‌ای و روستاهای واقع در محدوده شهر و ناحیه توسعه جدید و نوساز (توسعه دهه ۱۳۳۰ به بعد) طبقه‌بندی شد و سهم هر ناحیه از حجم نمونه انتخاب شده بر اساس «سهم جمعیتی هر ناحیه نسبت به کل جمعیت شهر» تعیین گردید. نقشه ۱-۱ محدوده نواحی مورد مطالعه را بر اساس طبقه بندی صدرالذکر نشان می‌دهد. بر این اساس از ناحیه تاریخی - فرهنگی یک محله، ناحیه بافت مرکزی سه محله، ناحیه بافت حاشیه‌ای و روستاهای پیرامون (بافت روستاهای واقع در محدوده شهر) سه محله و ناحیه توسعه جدید و نوساز سه محله به صورت تصادفی انتخاب گردید. نقشه ۱-۲ محدوده تقریبی محله‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. به منظور انتخاب نمونه‌ها و نمونه‌گیری نهایی به دلیل عدم وجود چارچوب نمونه‌گیری و در اختیار نداشتن فهرست ساکنین محلات، از روش نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شد. جدول زیر ناحیه بندی یادشده و تعداد حجم نمونه در هر یک از آنها را به تفکیک محلات نشان می‌دهد. روش‌های آماری مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل

جدول ۱. تعداد حجم نمونه بر اساس نواحی و محلات مورد مطالعه در شیراز؛ تنظیم: نگارنده.

نام ناحیه	نام محلات	تعداد نمونه	درصد	تعداد کل
تاریخی - فرهنگی	آستانه	۱۶	۶/۴	۱۶
بافت مرکزی	قائنی	۲۵	۱۰	۷۶
	وصال	۲۶	۱۰/۴	
	شهرک پرواز	۲۵	۱۰	
توسعه جدید و نوساز	قصرالدشت	۲۸	۱۱/۲	۸۳
	معالی آباد (کوی پزشکان)	۲۷	۱۰/۸	
	گلدشت	۲۸	۱۱/۲	
بافت حاشیه‌ای و روستاهای پیرامون	شیخ علی چوپان	۲۵	۱۰	۷۵
	عادل آباد	۲۵	۱۰	
	مهدی آباد (کتس بی)	۲۵	۱۰	
جمع	-	۲۵۰	۱۰۰	۲۵۰

از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می شود. دامنه ضریب پایایی از صفر تا +1 است. در این پژوهش که هدف سنجش همسانی و هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری بود از روش آلفای کرونباخ برای تعیین اعتبار پرسشنامه استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ، یک روش اعتباریابی است که همسانی درونی آزمونی را ارزشیابی می کند و نشان می دهد که سؤالهای آزمون تا چه اندازه توانایی دارد تاخصیصه واحدی را اندازه گیری نماید. کرونباخ برای برآورد همسانی درونی این نوع آزمون ها، براساس روش کودر ریچاردسون فرمولی را پیشنهاد کرد که از طریق آن ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می شود. در این پژوهش از این روش برای بررسی پایایی مقیاس ها استفاده شد. نتایج استفاده از این روش در بررسی و سنجش پایایی مقیاسها نشان می دهد که؛ میزان ضریب

داده ها به دو صورت توصیفی و تطبیقی، تبیینی با مناسب ترین تکنیک های موجود، بوده است. با عنایت به اینکه مقیاس شاخص های انتخابی از نوع ترتیبی بودند، لذا نیازی به هم مقیاس سازی نبوده با استفاده از روش شاخص سازی ناپارامتری و شاخص ترکیبی کل، محاسبه شد. همچنین به منظور رتبه بندی محلات از روش تحلیل خوشه ای استفاده گردید. برای تبیین و توجیه روابط علی بین متغیرهای تحقیق از تکنیک های تبیینی از جمله آزمون های همبستگی اسپیرمن، پیرسون استفاده شد. بررسی عوامل موثر بر شاخص های توسعه و پایداری محله از طریق آزمون های رگرسیونی و برای مقایسه پارامترها و متغیرهای بین محلات به تناسب از آزمون های T و تجزیه واریانس یکطرفه استفاده شد.



پایایی گویه های مربوط به اوضاع اجتماعی محله مطابق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۶۸۵ بود که ارقام فوق نشان دهنده همسازی مناسب بین گویه ها می باشد.

۳- بحث نظری؛ سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم، رویکردها و معیارهای پایداری بعد اجتماعی محله

۳-۱ شناخت انواع سرمایه

بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و کاربرد آن در حوزه

به منظور اعتبار سنجی و روایی ابزار اندازه گیری در تدوین سوالات و مقیاسهای پرسشنامه از گزاره های تحقیق (اهداف، سوالات و فرضیات پژوهش) استفاده شد. همچنین به منظور بهبود روایی محتوای پرسشنامه و مقیاسها، پس از تدوین آنها مبتنی بر انجام روایی صوری، از نظرات اساتید، صاحب نظران و دانشجویان دکتری ذیصلاح نیز بهره برده شد که اکثریت مناسب بودن گویه ها را تایید نمودند. برای اندازه گیری پایایی،

شهر و برنامه ریزی شهری نیازمند شناخت و بررسی مولفه ها و عناصری است که در انواع سرمایه از جمله سرمایه فیزیکی، مالی و غیره مورد توجه می باشد. سرمایه در این عرصه های دارای مالک، حقوق مالکانه، سودآوری و کاهش ناشی از مصرف است. با توجه به این ویژگی ها می توان اشکال مختلف سرمایه را به شرح زیر برشمرد:

- سرمایه طبیعی (Natural Capital)؛
- سرمایه فیزیکی (Physical Capital)؛

جدول ۲. نظریه های سرمایه: ماخذ: (Lin nan, ۱۹۹۹: ۲۲)

نظریه های سرمایه های اجتماعی			سرمایه انسانی	نظریه کلاسیک	
سرمایه اجتماعی		سرمایه فرهنگی			
بورديو، پانتام	لین، بارت، کلمن	بورديو	شولتز، بکر	مارکس	نظریه پرداز
همبستگی و باز تولید گروه	دسترسی به منابع نهفته در شبکه های اجتماعی	باز تولید نمادها و ارزش های مسلط	انباشت ارزش اضافی توسط کارگران	روابط اجتماعی: استثمار کارگران توسط سرمایه داران	تبیین
سرمایه گذاری در بازشناسی و پذیرش متقابل	سرمایه گذاری در شبکه های اجتماعی	درونی کردن یا درک نادرست از ارزش های مسلط	سرمایه گذاری در قالب مهارت ها و دانش فنی	سرمایه گذاری در تولید و گردش کالاها	سرمایه
گروه/فرد	فرد	فرد- طبقه	فرد	ساختاری (طبقات)	سطح تحلیل

۲-۳ مفهوم سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی به رغم شهرت اخیر آن نکات تازه جامعه شناسانه ای ندارد. دو سرچشمه اصلی درخلق مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد: **شالوده نظری** اولی را می توان درتحلیل مارکس از آگاهی طبقاتی نوظهور در نزد پرولتاریای صنعتی یافت. کارگران که با هم بودن را در وضعیتی مشترک تجربه می کنند، یاد می گیرند که هویت مشترک را حس کنند واز اعمال وابتکارهای هم پشتیبانی به عمل آورند. این همبستگی نتیجه درونی کردن هنجارها در دوران کودکی نیست، بلکه محصول نوظهور یک سرنوشت مشترک است. ریشه های کلاسیک آخرین سرچشمه سرمایه اجتماعی

- سرمایه انسانی (Human Capital)؛
- سرمایه اجتماعی (Social Capital)؛
- سرمایه مالی (Financial Capital)؛
- سرمایه فرهنگی (Cultural Capital)؛ و
- سرمایه اندیشمندی (Intellectual Capital).
در تفاوت های بین سرمایه اجتماعی با سایر سرمایه ها می توان گفت که این سرمایه دارای مالکیت فردی نیست، سودآوری آن از پیامدهای عمل جمعی ناشی می شود و سرمایه گذاری در آن غیر عمدی و بهره برداری از آن موجب کاهش آن نمی شود و دارای خاصیت افزایشی است. در واقع سرمایه اجتماعی سود و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی و فیزیکی را افزایش می دهد، این سرمایه

اجتماعی با سازمانهای محلی چون باشگاهها، انجمنها و گروههای مدنی برابر انگاشته می‌شود. اجتماع گرایان معتقدند که سرمایه اجتماعی ذاتا خیر است، هرچه بیشتر باشد رفاه اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

۲- «دیدگاه شبکه ای»: این دیدگاه پیوندهای عمودی و افقی در بین مردم و روابط درونی و فیما بین

را در نظریه دورکیم در باب انسجام اجتماعی و ظرفیت باز دارنده شعائر گروهی باید جستجو کرد. در واقع ساختار مشترک اجتماعی باعث نزدیکی افراد جامعه به یکدیگر می‌شود. لذا کمال جویی و تفکر ابزاری در خلق سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی مطابق جدول زیر نقش داشته اند.

جدول ۳. سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی؛ ماخذ: خاکباز، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰.

سرچشمه‌ها	تعریف	پیامدها
کمال جویی consummatory	- درونی شدن هنجارها - همبستگی محدود	- هنجارپذیری (کنترل اجتماعی) - مزایای حاصل از وساطت شبکه اجتماعی
ابزاری Instrumental	- مبادلات متقابل - اعتماد قابل تضمین	- دستیابی محدود به فرصت‌ها - محدودیت آزادی فردی - توقعات مفرط از اعضای شبکه

این قبیل هویت‌های سازمانی به عنوان گروه‌ها و بنگاهها را مورد تاکید قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که پیوندهای نیرومند درون اجتماعی به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد. دو خصلت پایه این دیدگاه توجه به جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی و تمایز بین منافع این سرمایه و عوارض ناشی از آن است.

۳- «دیدگاه نهادی»: این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. بر خلاف دیدگاه اجتماع گرا و شبکه‌ای که به سرمایه اجتماعی به عنوان متغیری مستقل برخورد می‌کند، نگرش نهادی، سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. چگونگی عملکرد دولت و بنگاهها نیز به نوبه خود وابسته به انسجام، اعتبار و صلاحیت درونی خودشان از یک سو و در برابر جامعه مدنی از سوی دیگرند.

۴- «دیدگاه همبازی»: این دیدگاه در تلاش است تا آثار دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. شناسایی ماهیت و گستره روابط اجتماعی یک جامعه و نهادهای رسمی و تعامل میان آنها، تعریف راهبرد نهادی مبتنی بر این روابط، خصوصاً حجم سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی سه وظیفه محوری سیاستگذاران

ریشه‌های نظری سرمایه اجتماعی در نظریه‌های کلاسیک جامعه شناسی است. بطور خلاصه برخی مفاهیم متشکله سرمایه اجتماعی مانند «پیش داوری ارزشی» به نظریه‌های دورکیم و وبر، «ضمانتهای اجرایی دوجانبه» به بحثهای زیمل و نظریه پردازان مکتب مبادله، «همبستگی بسته» به مفهوم «طبقه برای خود» و بحث آگاهی طبقاتی مارکس و انگلس و مفهوم «اعتماد قابل اجرا» به بحث وبر در باره تمایز میان عقلانیت صوری و ذاتی برمی‌گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت علیرغم شکل گیری مفهوم سرمایه اجتماعی در اوایل قرن بیستم، تلاش برای نظریه پردازی پیرامون ابعاد نظری آن به سالهای ۱۹۹۰ برمی‌گردد که نشان دهنده پیشینه نه چندان طولانی این مفهوم دارد. در جدول ۴ تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی به اجمال ارائه شده است.

۳-۳ دیدگاه‌های موجود پیرامون سرمایه اجتماعی

تاکنون دیدگاه‌های مختلفی پیرامون سرمایه اجتماعی بنا به زمینه‌های نظری و تکوین تاریخی آن شکل گرفته که می‌توان آنرا در قالب ۴ دیدگاه به شرح زیر تشریح کرد.

۱- «دیدگاه اجتماع گرای»: در این دیدگاه سرمایه

جدول ۴. تعاریف سرمایه اجتماعی از منظر نظریه پردازان؛ ماخذ: Haddad, I & Malucci, J, ۲۰۰۲: ۵۵

تعریف پیشنهادی برای سرمایه اجتماعی	نظریه پرداز
شبکه روابط متقابل بین عاملهای درون یک اقتصاد.	بار
روابط اقتدار، روابط اعتماد و حقوق ناشی از هنجارهای ایجاد شده	کلمن
سرمایه اجتماعی یک دسته فرآیند هایی است که منجر به تولید برون داده هایی می شود که حاصل کنش های اجتماعی است و شامل آن دسته ای است که یا خود با دوام هستند یا روی آنها بی که با دوام نیستند اثر می گذارد.	کلیر
هنجارهای غیر رسمی که موجب رشد همکاری بین دوفرد و یا بیشتر می شود	فوکویاما
سرمایه اجتماعی فردی به عنوان ویژگی های اجتماعی فرد- شامل مهارت های اجتماعی و جذب که وی را قادر می سازد تا از طریق کنش با دیگران به منافع در بازار و غیر بازار دست یابد.	لیسر، لایبسون و ساکردوت
گروه هایی که در عادات افرادشان همکاری و انسجام و سرزندگی تزریق می کنند و طبق نظر اولسونیان گروه هایی که ائتلاف های توزیعی تشکیل می دهند.	ناک و کفر
کمیت و کیفیت معاشرت در زندگی و هنجارهای اجتماعی مرتبط با آن.	نارایان و پریچت
اشکال سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می کند.	پاتنام
سرمایه اجتماعی ساختاری، شامل، نقشها، قواعد، رویه ها و سنت ها بعنوان شبکه های اجتماعی است که سبب ایجاد الگوهای جاری کنش های اجتماعی می شوند. سرمایه اجتماعی شناختی، شامل، هنجارها، ارزشها و باورهایی است که مردم را راغب به همکاری می کنند.	اپاف و ویجایاتا
هنجارها و شبکه ها که مردم را برای کنش جمعی قادر می سازد و در قالب دیدگاه اجتماع گرایی، دیدگاه شبکه ای، دیدگاه نهادی و دیدگاه هم افزایی قابل بررسی و تحلیل است.	ولکوک و نارایان
هنجارها و روابط اجتماعی مستحکم و ریشه دار در ساختارهای اجتماعی جوامع که مردم را در هماهنگی کنش ها برای دستیابی به اهداف مطلوب خود قادر می سازد.	بانک جهانی

پیشنهاد شده است. تفاوت میان این چهار دیدگاه عمدتاً به سه عامل بستگی دارد:

- ۱- واحدی که به هنگام تحلیل بر آن تمرکز می شود.
 - ۲- تلقی دیدگاه ها از سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل، وابسته یا واسط.
 - ۳- جایگاه دولت را تا کجا در تحلیل خود می گنجانند (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴، ص ۵۳۴).
- ۳-۴ منابع تولید سرمایه اجتماعی و چگونگی سنجش آن
- به عنوان اولین منبع تولید سرمایه اجتماعی می توان مجموعه اقدامات، فعالیت ها و برنامه های دولت در قالب سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان را شناسایی کرد که نقش مثبت و گاه منفی بر تولید سرمایه اجتماعی به جای گذارد. دو منبع دیگر که نقشی فراتر از دولت در

کنترل می‌شود. او پیشنهاد می‌کند به جای این شیوه باید بر شبکه‌ها و هنجارهای غیر رسمی جامعه برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی بپردازیم (همان، ص ۱۹).

۳-۵ سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار

یکی از موضوعات مرتبط با سرمایه اجتماعی، شکل گیری جامعه خوب مبتنی بر مولفه‌های موجود در این شکل از سرمایه است. در بررسی مولفه‌های موثر بر تعریف و شناخت جامعه خوب می‌توان موارد زیر را برشمرد: جامعه خوب قیود و تعهداتی را برای تمامی افراد جامعه تعیین می‌کند و باعث کاهش نابرابری اجتماعی و ترویج کننده تساوی و عدالت اجتماعی است. در جامعه خوب بین ارزشها، هنجارها، نظم اجتماعی و سایر امور آن حداکثر هماهنگی وجود دارد. موارد فوق ویژگیهای جامعه خوب را معرفی می‌کند اما برای اینکه جامعه‌ای خوب باشد باید قوانین و مقررات مشخصی برای نظام اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد آن تعریف شود تا در چارچوب این قوانین بتوان هدایت و نظارت بر جامعه را محقق نمود. اجتماع گرایان فرض می‌کنند که یک جامعه خوب مبتنی بر توازن بین آزادی و نظم اجتماعی است و همچنین تناسب بین ارزشها و اخلاقیات فردی و گستره اجتماعی را مدنظر دارند (Oxford, 2001: 158). لذا می‌توان خصوصیات عمومی اجتماعات پایدار و ناپایدار را بر اساس معیارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی به شرح جدول ۵ برشمرد.

۳-۶ سرمایه اجتماعی محله‌ای

از سرمایه اجتماعی به عنوان پایه‌ای نظری در بررسی وضعیت اجتماعی محله استفاده می‌شود و می‌توان بر پایه آن ظرفیت‌های موجود در محله را شناسایی و مورد دقت نظر بیشتری قرار داد. در مفهوم سازی متفاوتی تلاش شده تا سرمایه اجتماعی محله‌ای را مبتنی بر جنبه‌های زیر توصیف نماییم.

الف: سرمایه اجتماعی محله به عنوان یک ساخت چند سطحی: سرمایه اجتماعی در این

ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی نقش دارند: **اولی دین** است، تغییرات فرهنگی که الهامات دینی آنها را سبب می‌شوند همچنان گزینه‌ای زنده در بسیاری از بخشهای جهان هستند. جهان اسلام شاهد رشد شکل‌های نوین دینداری در دهه‌های اخیر بوده است. دومین سرچشمه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه **جهانی شدن** است. جهانی شدن نه فقط حامل سرمایه، بلکه حامل اندیشه و فرهنگ نیز است. این موضوع می‌تواند تهدیدی برای سنت‌های گذشته و ایجاد کننده رویه و عاداتهای جدیدی در جامعه باشد (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶).

یکی از بزرگترین کاستی‌های سرمایه اجتماعی فقدان اتفاق نظر در سنجش و اندازه گیری آن است. در این زمینه حداقل دو رویکرد اجمالی اتخاذ شده است:

۱. **رویکرد نخست** این است که گروه‌ها و اعضای آنها را در جامعه مفروض سرشماری کنند.

۲. در **رویکرد دوم** داده‌های مربوط به سطوح اعتماد، تعهد و دخالت مدنی بررسی شوند. رابرت پاتنام کوشیده است تا سرمایه اجتماعی را با شمارش انجمن‌ها در جامعه مدنی بسنجد.

پژوهش‌های زیادی به رابطه میان سرمایه اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با حاکمیت خوب و کارایی اقتصادی نیز رابطه مستقیمی دارد. به نظر پاتنام سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارا می‌شود. نارایان نیز ایده محوری سرمایه اجتماعی بین گروهی و روابط دولت-جامعه را در هم آمیخته و با ادغام آنها پیشنهاد می‌کند که ترکیبات مختلف حکمرانی و سرمایه اجتماعی بین گروهی در یک گروه، جامعه محلی متفاوتی را طلب می‌کند. در بحث روانشناسی سنجش سرمایه اجتماعی بنا بر عقیده کریشنا، وجود تعداد انجمن‌های مدنی غیر دولتی به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند شاخص مناسبی باشد چرا که در این کشورها جامعه مدنی دارای ضعف ساختاری است و به شدت از سوی دولت نظارت و



جدول ۵. خصوصیات عمومی اجتماعات پایدار و ناپایدار بر اساس معیارهای مختلف:

ماخذ: Raco, 2007: 171

معیار	اجتماع پایدار	اجتماع ناپایدار
رشد اقتصادی	اقتصاد پایه مترقی، تعهدات دراز مدت، پایداری اقتصادی و در برگیرنده بخش عمده‌ای از شهروندان	چیرگی و تسلط اشکال وابسته توسعه، فقدان یا کمبود فرصت‌های اشتغال، نا امنی و آسیب پذیری اقتصادی
شهروندی	شهروند و اجتماعات فعال، نظارت اجتماعی دراز مدت، التزام سیاسی موثر، بخش اختیاری و داوطلبانه و سرمایه اجتماعی قوی	شهروندان و اجتماعات غیر فعال و وابسته، فقدان یا کمبود التزام اجتماعی و فردی، سطح پائین فعالیت‌های داوطلبانه و سرمایه اجتماعی
حکروایی	سیستم‌های حکمروایی مسئول و پاسخگو و نماینده جامعه، توازن در تعریف راهبردها و استراتژی‌های توسعه، سیاستگذاری نظری و کلان از بالا به پایین و سیاست‌های عملی و اجرایی از پایین به بالا	سیستم‌های حکمروایی بسته، غیر مسول و غیر پاسخگو، اعتماد غیر فعال، نمونه‌ای از اشکال دموکراسی، فاقد اهداف، ماموریت و سیاست‌های کلان، محدود کردن افکار و عقاید محلی و عمومی
خصوصیات اجتماعی	وجود مهارت‌های فراوان در نیروهای کار، تنوع اجتماعی و قومی - نژادی، ترکیب مختلط انواع ساکنان از منظر اقتصادی اجتماعی، اجتماع متوازن، محلات با جمعیت پذیری مناسب	نبود یا کمبود مهارت در نیروهای کار، اجتماعات غیر متوازن در مکانها، جدائی‌گزینی در سطح بالا بین گروه‌های اجتماعی، فقدان تنوع، جدائی‌گزینی و تفکیک رسمی و غیر رسمی و فقدان جمعیت پذیری مناسب
طراحی شهری	معماری متنوع و گوناگون، دسترسی به فضاهای عمومی، تراکم‌های شهری بالاتر، تهیه و تدارک تسهیلات و خدمات متنوع، ساختمان‌هایی که دسته‌ای از نیازهایی را تدارک دیده اند، اجتماع خود اشتغالی، ایجاد کننده مکان	معماری یکسان و متحدالشکل و منطقه بندی شده، فضاهای عمومی بسته، دیوار دار و غیر قابل دسترس، فقدان تسهیلات اجتماعی، پراکندگی شهری، توسعه حومه ای، بی مکانی
ابعاد محیطی	استفاده مجدد از مکانها وسایت‌های با قابلیت توسعه، کاهش و به حداقل رساندن سفرها، ارتقاء و کیفیت خوب حمل و نقل عمومی	گسترش در مکانها و فضاهای سبز، به حداکثر رساندن سود، وابستگی شدید به خودرو، فقدان و کمبود وسایل حمل و نقل عمومی
سرمایه اجتماعی	تقویت و ایجاد حس همکاری متقابل و اعتماد دوطرفه میان شهروندان با مدیران امور شهری، توجه به سایر سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و محیطی به صورت همزمان	توجه به سرمایه‌های فیزیکی و محیطی و استفاده کمتر از ظرفیت‌های انسانی موجود
کیفیت زندگی	محیط‌های جذاب، کیفیت زندگی بالا، کنش و جذابیت برای گروه‌های اجتماعی	کیفیت پایین زندگی، اعمال فشار بر روی گروه‌های اجتماعی
هویت، حس تعلق و ایمنی	حس هویت و تعلق به اجتماع، روایی و دارا بودن قدرت تحمل در برابر تغییرات، وجود رابطه و تعهد بین افراد و گذشته تاریخی آنها، سطح پایین و حداقلی از جرم و رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی	فقدان هماهنگی و پیوستگی فرهنگ محلی و فضاهای عمومی، عدم پویایی فضایی و قابلیت تحمل در برابر تغییرات سیاست‌های محلی تقسیم بندی شده، سطح حداکثری از جرم، بی نظمی و هراس و ترس.

بخش به منظور استفاده موثر از آن، به عنوان ارتباطات متقابل چند سطحی بین منابع شبکه محور قابل تعریف است. اعتماد متقابل در قالب شبکه هایی که در درون محله برای مدیریت و برنامه ریزی محله شکل می گیرند می تواند منجر به ایجاد یک ساخت اجتماعی چند سطحی از شهروندان در محله گردیده و در نهایت اداره امور محله را به شکل آسان تری میسر می سازد. لذا سرمایه اجتماعی در سطح محله با ایجاد یک ساخت چند سطحی تلاش می کند تا اعتماد شهروندان را جلب و مدیریت و برنامه ریزی مشارکتی در محله را توسعه دهد. مبنای این جنبه از سرمایه اجتماعی چیزی است که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی ساختاری یاد می شود و تشکلهای و نهادها و شبکه ها نقش تعیین کننده ای در شکل گیری آن دارند.

ب: سرمایه اجتماعی محله به عنوان بستری در

استفاده از ظرفیت های محلی: سرمایه اجتماعی به دلیل ابعاد و جنبه های گوناگون و بکارگیری نیروهای مختلف اشکال متفاوتی را در استفاده از ظرفیت های محلی ایجاد می کند. تحقیقات اخیر پیرامون سرمایه اجتماعی نیز روی اشکال خاصی از سرمایه اجتماعی تاکید دارد که بتواند ارزشها و هنجارهای اجتماعی و سیاسی را برای کلیه اجتماعات بکار برد. همچنان که پس زمینه های فرهنگی و اقتصادی اجتماعی ادراک و برداشت افراد از سرمایه اجتماعی را شکل می دهد، لذا همین پس زمینه ها نیازهای سرمایه اجتماعی را نیز مشخص و ارائه می دهند. بولن (Bullen, 1999) مبتنی بر این جنبه مشخصات محله های دارای درجه بالایی از سرمایه اجتماعی را به شرح زیر ارائه می کند:

- ۱- مردم این احساس را خواهند داشت که جزیی از محله هستند.
- ۲- احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آنها برای مشارکت واقعی در محله تقویت می گردد.
- ۳- محله را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می کنند.
- ۴- شبکه های زیادی از ارتباطات متقابل میان افراد شکل می گیرد.

ج: سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای

تقویت سیاست های مناسب محله ای: سیاست های برنامه ریزی می تواند از سطح ملی و کلان تعریف و در سطح محلی با نگاه برنامه ریزی مشارکتی توسط ساکنین محله به اجرا در آید. در طرح ها و برنامه های کلان و بزرگ مقیاس نیز حداقل می توان از توان مشارکتی مردم در اجرای آنها استفاده شود. قلمروهای پایه سرمایه اجتماعی مبتنی بر مفاهیم و رویکردهای نظری گفته شده می تواند در قالب توانمند سازی، مشارکت، فعالیت های مشارکتی و اهداف و مقاصد عمومی به حمایت از شبکه ها، توجه به ارزشها و هنجارهای جامعه، اعتماد به عنوان عنصر اساسی در سرمایه اجتماعی و تعلق و ایمنی محیطی، سیاست های مناسب محله ای را تقویت و حفاظت نماید. در توانمند سازی شهروندان حس می کنند جزیی فعال و تاثیر گذار در جامعه هستند و می توانند فعالیت هایشان را مدیریت و به انجام رسانند. توجه به ارزشها و هنجارهای رفتاری عمومی و به شراکت گذاردن آنها باعث تقویت حس اعتماد و تعلق به افراد ساکن در محله و مکان آن می گردد. متناسب با هر یک از قلمروهای تعریف شده فوق سیاست های مناسبی نیز در قالب جدول قابل تعریف است (جدول صفحه بعد).

د: سرمایه اجتماعی به عنوان ابزار برنامه ریزی:

از مشخصه های برنامه ریزی محله مبنای توجه به سرمایه های اجتماعی و انسانی است و برای شکل گیری و انباشت این سرمایه ها نیازمند یک ساختار محله گرا در مدیریت و برنامه ریزی است. در ساختارهای تمرکزگرا، مبتنی بر دیدگاه سنتی، مدیریت براساس روابط عمومی و تقسیم بندی های انعطاف ناپذیر سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه های همکاری و اعتماد متقابل شکل نمی گیرد. برنامه ریزی محله - مبنای بر این نکته تاکید دارد که ساکنان محله ها طی تجربه مشترک و طولانی زندگی در یک محیط می توانند بسیاری از نیازها و ضرورت های روزمره زندگی خود را تشخیص داده و در هماهنگی با مدیریت های سطوح بالاتر به ایجاد محلات شهری پایدار کمک کنند، این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. در بعد برنامه ریزی،

توصیف	سیاست‌های محلی	قلمرو
افراد حس می‌کنند صدای آنها شنیده می‌شود، در فرایندها تأثیر گذار هستند، می‌توانند فعالیت‌های مورد نیازشان را خودشان انجام دهند.	<ul style="list-style-type: none"> • فراهم کردن حمایت از گروه‌های اجتماعی • پاسخ به نیازهای محلی افراد • کمک کردن برای حل مسائل و مشکلات • اعطای وظایف و اختیارات به افراد محلی در فرایند سیاستگذاری 	توانمندسازی
افراد بخشی از فعالیت‌های اجتماعی را بدست می‌گیرند، به حوادث و وقایع محلی رخ داده و یا در حال وقوع توجه و احساس مسئولیت می‌کنند	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد، حمایت و تقویت فعالیت‌ها و سازمانهای محلی • عمومی کردن وقایع و حوادث محلی 	مشارکت
افراد با یکدیگر در شکل دادن به گروه‌های رسمی و غیررسمی برای رسیدن به خواسته‌های مشترک همکاری می‌کنند.	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه و تقویت شبکه‌ها بین سازمانی در محدوده تعریف شده 	فعالیت‌های مشارکتی و مقاصد عمومی
افراد و سازمانها به صورت متقابل و بعضاً یکطرفه جهت تقویت خود با یکدیگر همکاری می‌کنند و انتظار دارند که در هنگام نیاز نیز به آنها کمک شود.	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد، توسعه و تقویت یک عادت و رسم ملی • همکاری متقابل بین افراد و سازمانها که عقاید و ایده‌های یک اجتماع را توسعه و ترویج می‌دهند. • برنامه آگاهی بخشی همسایگی خوب (شرایط، مقاصد و شیوه‌ها) 	حمایت از شبکه‌ها
افراد ارزشها، هنجارهای رفتاری عمومی را به شراکت می‌گذارند.	<ul style="list-style-type: none"> • توسعه و ترویج عادت‌ها که براساس آن همدیگر را بشناسند و بپذیرند. • امنیت ارتباطات اجتماعی هماهنگ شده • ترقی جذابیت‌های اجتماعی 	جمع‌آوری ارزشها و هنجارها
افراد احساس می‌کنند که یک اعتماد بین ساکنان و سازمانهای محلی مسؤول برای اداره امور و نگهداری و ارائه خدمات وجود دارد.	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش اعتماد در ارتباطات بین ساکنین با یکدیگر • واگذاری اجازه برخی از تصمیم‌گیریها • آوردن گروه‌های مخالف در کنار یکدیگر 	اعتماد
افراد احساس ایمنی در محله خود می‌کنند و در استفاده از فضاهای عمومی به دلیل ترس و هراس محدود و محصور نمی‌شوند.	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش حس ایمنی در ساکنین • پیشگیری از وقوع جرایم در سطح محلی • فراهم کردن مدارک و دلایل قابل رویت از شاخص‌های امنیت 	ایمنی
افراد احساس می‌کنند که با یکدیگر و با نواحی مسکونی مرتبط و متصل هستند و حس تعلق به مکان و ساکنین را دارند.	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد، تقویت و توسعه حس تعلق در ساکنین • افزایش و ارتقاء هویت مکان از طریق طراحی، خیابانها و نامگذاری آنها و غیره 	تعلق

تمرکززدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت یک نظام خودگردان برنامه‌ریزی و مدیریت محله‌ای از دیگر مشخصه‌های عمده است که با تکیه بر سرمایه اجتماعی می‌توان آنها را به نحو مطلوب در شهرها به مرحله اجرا درآورد (حاجی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

۳-۷ جمع بندی و استنتاج: ارائه چارچوب نظری مبتنی بر اصول و معیارهای پایداری محله در دیدگاه سرمایه اجتماعی

در چارچوب مطالب پیش گفته در مجموع سرمایه اجتماعی در سطح فردی فراهم آورنده **کالای خصوصی** است که برای سود اقتصادی یا دیگر منافع شخصی مانند موفقیت تحصیلی استفاده می‌شود. در

مراقبتی و تنبیهی کاهش خواهد یافت و منابع آزاد شده می‌تواند صرف امور بنیادی مانند آموزش و ارتباطات می‌شود. در سطح محله نیز وجود سرمایه اجتماعی باعث می‌شود شهروندان احساس تعلق، امنیت و سودمندی داشته و خود را جزئی از محیط آن تلقی نمایند. این موضوع خود باعث شکل‌گیری ساختاری مبتنی بر شبکه‌های همکاری، تعامل و اعتماد متقابل می‌گردد. آنچه در مبحث سرمایه اجتماعی در سطح محله‌های شهری می‌بایست مد نظر قرار گیرد تلاش برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی در تعامل با یکدیگر است. چراکه یکی از آنها ناظر به شبکه‌ها، قوانین و نهادهاست و دیگری ناظر به شهروندان و ساکنین محله‌های شهری است. لذا در صورتی می‌توان از وجود سرمایه اجتماعی به نحو مطلوب در سطح محله استفاده کرد که هم نهادهای خاصی مانند شوراها و برخی دیگر از نهادهای سنتی و عرفی شکل گیرد و هم تلاشی برای ایجاد حس اعتماد، تعهد و تعلق اجتماعی محلی به صورتی فراگیر ایجاد و ترویج شود. جدول ۷ اصول و شاخص‌های سرمایه اجتماعی و کاربست آن در سطح محله برپایه معیارهای مورد پذیرش برای پایداری را نشان می‌دهد. این اصول چارچوب نظری و مولفه‌های کلیدی مفهوم سرمایه اجتماعی محله‌ای که قابلیت سنجش در این سطح شهری دارند را نشان می‌دهد:

سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی می‌تواند مولد کالایی عمومی باشد که تمامی اعضای جامعه می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند تنها در خدمت منافع یک گروه خاص باشد. امری که در صورت گستردگی آن در جامعه، مانع رشد و توسعه خواهد شد. بنابراین در مطالعات شهری توجه به نوع روابط و میزان سرمایه اجتماعی مناطق مختلف شهر، اهمیت زیادی دارد. محیط اجتماعی شرایطی را پدید می‌آورد که بر سرنوشت و آینده افراد موثر است. اگر این محیط دارای اثرات جانبی مثبت باشد، مزایای حاصله می‌تواند مورد استفاده همگان قرار گیرد و اگر اثرات جانبی منفی باشد، زیان آن دامنگیر تمامی ساکنان شهر خواهد بود. از همین رو شکل‌گیری محلات و مناطق فقیر می‌تواند به عنوان یک زنگ خطر برای شهر محسوب شود و یا اینکه وجود محلات پایدار و دارای افراد توانمند برای اداره امور خصوصی و عمومی، شهری پویا را نوید می‌دهد. سرمایه اجتماعی زمانی برای توسعه شهری اثرات مثبت خواهد داشت که اثرات جانبی آن از شکل کالای خصوصی خارج و در قالب کالاهای عمومی عرضه شود. هر چه کالاهای عمومی حاصله از سرمایه اجتماعی برای شهر بیشتر باشد، اثرات توسعه‌ای سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. در شهری که اعتماد و امنیت اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی، به میزان زیادی وجود دارد، هزینه نظافت و نهادهای

جدول ۷. اصول و معیارهای پایداری محله در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی

اصول	معیارهای مورد پذیرش برای پایداری
مشارکت	- احساس مسئولیت فردی و اجتماعی
حمایت از شبکه‌ها	- شکل دادن به گروه‌های رسمی و غیر رسمی
توانمندسازی	- تقویت همکاری‌های متقابل در جهت رفع نیازهای مشترک
اعتماد اجتماعی	- شراکت ارزشها و هنجارهای عمومی
تعلق اجتماعی	- افزایش اعتماد در ارتباطات بین ساکنین
امنیت و ایمنی	- کاهش تنش‌ها و تضادهای درونی اجتماع محلی
ارزشها و هنجارهای مشترک	- ایجاد و تقویت حس تعلق
شهروندی	- تقویت هویت مکانی
تعهد اجتماعی	- روشن شدن حدود وظایف، اختیارات و مسوولیت‌ها
	- افزایش حس ایمنی و امنیت در ساکنین
	- حضور داوطلبانه در فعالیت‌های محله

۳-۸ تعریف عملیاتی مولفه های چارچوب نظری بعد اجتماعی محله

معمولاً به منظور سنجش سازه‌ها و مفاهیم انتزاعی از یکسری شاخصهای فرعی جهت پوشش دادن به مفهوم مورد نظر استفاده می‌شود. انتخاب شاخصهای فرعی و نحوه ترکیب آنها در قالب یک ایندکس کلی براساس معیارهای علمی انجام می‌گیرد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲، ص ۱۸). متغیرها نیز کانون اصلی در انجام پژوهش های علمی هستند. یک متغیر به ساده ترین تعریف چیزی است که می‌تواند تغییر کند و واجد طبقه و یا ارزشهای متعددی گردد (علاقبندراد، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). هریک از متغیرهای تحقیق می‌تواند دارای تعاریف نظری و عملیاتی خاص خود باشد که متناسب

با انتظارات محقق از انجام تحقیق قابل تعریف و تدقیق می‌باشد. تعریف عملیاتی یک متغیر، آنرا بر حسب عملیاتی توصیف یا تعریف می‌کند که برای تولید آنها به کار می‌رود و یا فنونی که برای اندازه گیری آن استفاده می‌شود. لذا این تعریف باید صورت گیرد تا اندازه گیری یک متغیر میسر گردد. تعریف نظری نیز مشخص کننده چارچوب تئوریک و درک نظری متغیر در حیطه انجام تحقیق و متناسب با اهداف و فرضیات آن می‌باشد. در این پژوهش ابعاد اجتماعی محله پایدار یکی از سازه‌ها و مفاهیم انتزاعی است که به منظور سنجش آن، براساس مبانی نظری، ابعاد، مولفه‌ها، معیارهای کلیدی قابل سنجش و متغیرهای آن تعریف و نتایج در جدول زیر درج شده است.

جدول ۸. تعریف عملیاتی بعد اجتماعی محله پایدار؛ معیارهای کلیدی و متغیرهای آن

مفهوم نظری	ابعاد و ویژگی‌ها	مولفه های نظری	معیارهای کلیدی و متغیرها
کارایی		<ul style="list-style-type: none"> مدیریت فضا و فعالیت حق تغییر و اصلاح امکان سازندگی محلات توسط خود افراد 	<ul style="list-style-type: none"> میزان تغییرات فیزیکی و کالبدی محله نسبت به گذشته وجود فضاهای خاطره انگیز در محله و میزان شناخت آن توسط ساکنین میزان تمایل به پیشنهاد سکونت در محله به دیگران
تعلق اجتماعی		<ul style="list-style-type: none"> حس تعلق به مکان 	<ul style="list-style-type: none"> میزان دارا بودن احساس محیط خانه در فضای محله میزان تمایل به ماندگاری در محله اولویت علاقه به مکان بعد از محیط زندگی (خانه) دلتنگی برای فضای محله پس از ترک آن
سرمایه اجتماعی	تعهد اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> اجتماعی شدن غیر رسمی (دید و بازپیداها) قدرت و نفوذ شبکه های اجتماعی (انواع روابط شکل گرفته بین افراد) تمایل به همکاری، همیاری و همدلی متقابل بین افراد 	<ul style="list-style-type: none"> میزان رفت و آمد بین همسایگان میزان احساس ضرورت ارتباط با افراد هم محله و همسایگان میزان تغییرات ایجاد شده در ارزشها و فرهنگ حاکم بر محله کمک به همنوع و همسایه میزان گفتگو با همسایگان جهت طرح و رفع مسائل و مشکلات محله میزان وجود روابط صمیمانه بین همسایگان و افراد محله
اعتماد اجتماعی		<ul style="list-style-type: none"> حس اعتماد و اطمینان عمومی اعتماد نهادی (سنجش اعتماد مردم به مدیریت شهری) 	<ul style="list-style-type: none"> میزان اعتماد و اطمینان به شهروندان ساکن در محله ارزیابی اقدامات و برنامه های شهرداری برای حل مشکلات محله میزان امنیت و آرامش خاطر در محیط به ویژه در شب
مشارکت مدنی		<ul style="list-style-type: none"> مشارکت رسمی از طریق همکاری فعال و دارای مسولیت مشارکت غیر رسمی (حضور در فعالیت های مذهبی) روحیه داوطلبی مشارکت فعال در فعالیت های اجتماع محلی فعال بودن در بستراجتماع 	<ul style="list-style-type: none"> میزان تمایل به مشارکت جهت اجرای پروژه های عمرانی و خدماتی در محله مشارکت در برگزاری مراسم و فعالیت های اجتماعی و مذهبی حضور در انتخابات شورای شهر تمایل به کاندیدا شدن برای شورای شهر ارائه پیشنهاد امکان مشارکت یا دلایل عدم مشارکت

۴- یافته های پژوهش

۴-۱ بررسی وضعیت شهر و محله های شهری ایران

بررسی و مرور تحولات تاریخی شهر و محله های شهری ایران در چارچوب شرایط و بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشانگر شکل گیری روندها و گرایش های متعددی از منظر ساختاری - کارکردی است. تغییر نقش دولت در توسعه شهری و تلاش برای واگذاری برخی از تصدیهای عمومی به نهادی مدنی و مردمی، شکل گیری و تغییر الگوی توسعه ساختاری شهرها از الگوی توسعه درونزا و متکی به مبانی فرهنگی و معرفتی ایرانی - اسلامی به آنچه به عنوان نفوذ غلبه الگوی توسعه برونزا تعبیر می شود، تضاد بین سنت و تجدد، بروز برخی ناهنجاریهای کارکردی و ساختاری در شهرها و محله های شهری با تغییر ارزشها و نگرشهای حاکم بر شهرنشینی و توسعه شهری، تأثیرپذیری از الگوهای جهانی شهرنشینی و نظامات توسعه ای آن، ورود برخی الزامات جدید فنی، تکنولوژیکی، اجتماعی و مدیریتی به نظام شهرنشینی را می توان از جمله روندها و فرایندها فعلی تأثیرگذار در شهرها و مناطق کلانشهری تلقی نمود. پس از ورود اسلام به ایران تا مدتی وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهرها پا برجا ماند و به تدریج سازمانهای دینی در شالوده زندگی شهری نفوذ کرد. همبستگی مذهبی، شکل تازه ای به روابط موجود میان افراد ساکن در محلات داد. به دلیل ویژگی های خاص اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر نظام شهرنشینی در کشور می توان دوران پس از اسلام را به دو دوره ابتدای ورود اسلام تا آغاز حکومت صفویه و دیگری از آغاز صفویه تا اواخر حکومت قاجار طبقه بندی کرد. وفق این تقسیم بندی در دوره اول نظام توسعه درونزا متکی بر مبانی ایرانی و اسلامی در توسعه شهرنشینی نقش ایفا می کند و به مرور زمان به دلیل آغاز روابط سیاسی و اقتصادی ایران با دول اروپایی از زمان حکومت صفویه شهرنشینی شکل جدیدی به خود می گیرد و پیوندهای میان نظام فکری مسلط داخلی و آنچه در بیرون از مرزهای قدرت وجود داشت، برقرار می شود. لذا می توان

گفت که در این دوره رگه های از توسعه برونزا به فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر توسعه شهری کشور رسوخ می کند که در شکل، ساخت و بافت و همچنین نظام اداره امور شهری و محله های شهری تأثیر خود را به جای می گذارد.

با ورود به دوره قاجار اداره امور کشور دچار تغییرات اساسی می شود. در این زمان توسعه کشور در پیوند با تقسیمات و وابستگی های اقتصادی با کشورهای خارجی رقم می خورد. وجه بارزی که تا این زمان نقش بسیار کم رنگی داشت با توجه حاکمان قاجار و تعریف نظام سیاسی مبتنی بر توجه به دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی غرب بیش از پیش نمود یافت. در این زمان شهرنشینی و توسعه شهری، کانون و محور توسعه قلمداد شد. به گونه ای که توجه به شهرهای مانند تهران و تبریز به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی بیشتر گردید و اقدامات عمرانی و اقتصادی نیز در این شهرها بیشتر صورت می گرفت. ورود الگوهای شهرسازی غرب که در اثر تعامل اقتصادی و سیاسی در سازمان فضایی شهرها و به دنبال آن محله های شهری در ایران شکل گرفته بود، به نسبت گذشته بیشتر گردید و کم کم توانست برخی از ویژگی های قدیمی و الگوهای بومی شهرهای ایران را دچار تغییر و تحول نماید. اما نتوانست نقش غالب و الگوی مسلط را در نظام توسعه شهری و محله های شهری کشور ایفا کند. این موضوع در دوران ناصرالدین شاه با رونق شهرنشینی بیشتر گردید. شروع تحولات اساسی در نظام شهرنشینی که منجر به توسعه شهرها به لحاظ کمی و کیفی گردید را می توان از دوران مشروطیت دانست، اگرچه از زمان قاجار و حتی صفویه نگاه به بیرون و اعمال الگوهای شهرسازی کشورهای خارجی مدنظر بود، اما در حکومت پهلوی تأثیرپذیری شدید از سرمایه داری مبنای تغییرات بنیادی در نظام شهرنشینی کشور گردید.

اقدامات شهرسازی انجام گرفته در اوایل حکومت پهلوی به ویژه اجرای شبکه مشبک از خیابان بندی در بافت قدیم شهرها باعث گردید که علاوه از بین بردن بافت های با ارزش و محله های شهری منجر به تضعیف فرهنگ

و ضوابط حاکم بر روابط شهرنشینان گردد. تغییرات فیزیکی ایجاد شده در بافت کالبدی شهرها به ویژه از سالهای ۱۳۱۰ بیشترین اثرات خود را بر روی بازار، محلات مسکونی و قدیمی به جای گذاشت. در واقع با روی کار آمدن رضاخان شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور نیز دستخوش تغییرات اساسی گردید. در دوره پهلوی با روی کار آمدن رضاخان، شهرنشینی دارای اوج و حضیض‌هایی بود. شکل نظام سیاسی اداره امور کشور نیز مبتنی بر تمرکز قدرت در دولت مرکزی بود و بنا به خواست دولت مرکزی و شروع روند مدرنیزاسیون در سال ۱۳۰۵ زمینه‌های سرمایه گذاری زیرساختی در کشور فراهم و شهرها و بافت آنها را تحت تاثیر خود قرار داد. اقدامات شهرسازی صورت گرفته باعث تضعیف نظام محله ای و دگرگونی ساختار کالبدی آن گردید.

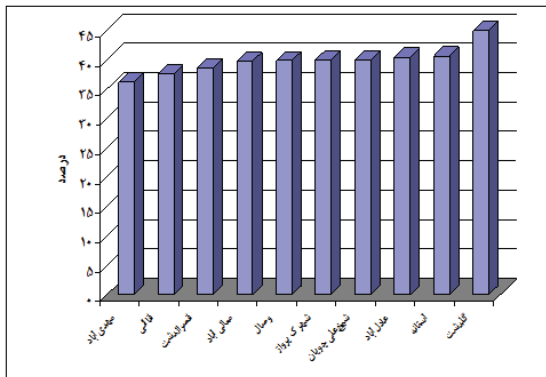
از سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی شرایط سیاسی کشور، نوع حکومت و نحوه اداره امور کشور تغییر بنیادی یافت و به لحاظ اجتماعی تغییر ارزشهای اجتماعی مبتنی بر اسلام و تفکر دینی مهمترین عوامل شکل دهنده به تحولات شهری و شهرسازی بوده اند. این عوامل باعث گردید تا همواره دولت بازیگردان اصلی صحنه تغییر و تحولات اساسی در شهرها به ویژه کلان شهرها باشد. در این شرایط کمتر می‌توان از اشکال سنتی محله‌های شهری و روابط پیشین حاکم بر زندگی شهروندان اثری یافت، چرا که بسترها و شرایط اقتصادی و اجتماعی باعث شکل گیری چارچوبهای دیگری در عرصه زندگی جمعی در شهرهای امروزی شده که بخش عمده آن ناشی از الزامات اساسی زندگی شهری و به ویژه در کلانشهرها می‌باشد. لذا در چارچوب بررسی‌های تاریخی صورت گرفته می‌توان گفت که شهر اسلامی و به تبع آنها شهر و محله‌های شهری ایران در فرایند نضج و گسترش خود همواره دو وضعیت را از سرگذرانیده‌اند: اول اینکه برخی از آنها در جریان عمومی شهرنشینی و توسعه شهری به تجدد و غرب‌گرایی کشیده شده و تغییر یافته‌اند و دیگر اینکه جریان تجدد کمتر توانسته است تغییرات ساختاری عمده‌ای در آنها ایجاد کند و این شهرها ساخت و بافت سنتی خود را حفظ کرده‌اند.

در چارچوب الزامات و شرایط جهانی شدن، پیوندهای ساختاری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باعث گردیده است که بیشتر شهرها وضعیت اول را تجربه کرده و از آن تأثیر بپذیرند. لذا شهرها به واسطه قرارگیری در شرایط زمانی و مکانی مشخص حسب مختصات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توسعه یافته‌اند یا دچار وقفه و کندی توسعه شده‌اند. در شهرهای اسلامی بسته به این که در کدام موقعیت مکانی - زمانی و در برابر کدامیک از وضعیت‌ها قرار گرفته باشند از نظر سنخ دگرگونی، رشد و توسعه بافت قدیمی شهر و گسترش شهر جدید فراگیرنده آن از یکدیگر متمایز می‌شوند (اهلرز، ۱۳۷۳، ص ۳۷).

۴-۲ سنجش ابعاد اجتماعی پایداری در محله‌های شهری شیراز

سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل و یا مسائل عمومی را افزایش می‌دهد. این نوع سرمایه مکمل سایر سرمایه‌های موجود از جمله انسانی، فرهنگی، مالی و... است که عمدتاً باعث افزایش کارایی و اثربخشی سرمایه‌های مذکور می‌گردد. در این مطالعه نیز از سرمایه اجتماعی و اصول و مفاهیم آن به عنوان یکی از ارکان زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار محله‌ای استفاده شده است. مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی و تعلق اجتماعی از جمله مؤلفه‌های پایه و اصلی برای تعریف متغیرهای لازم در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی تعیین و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. احساس تعلق به محله، تمایل به ماندگاری، تعاملات اجتماعی با افراد محله به ویژه رفت و آمد با همسایگان و اتکاء به آنها جهت حل مسائل و مشکلات شخصی و عمومی محله‌ای، مشارکت در اجرای طرحهای عمرانی و خدماتی، امنیت و آرامش خاطر، نظرخواهی از شهروندان ساکن در محله، وجود روابط صمیمانه بین ساکنین، اولویت علاقه‌مندی به فضا پس از منزل مسکونی، اعتماد به همسایگان، مشارکت در برگزاری مراسم و فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی،





نمودار ۱. میانگین شاخص سرمایه اجتماعی در سطح محلات ده گانه، تنظیم: نگارنده.

بررسی و تحلیل داده های جدول فوق نشان می دهد که برداشت های نسبتاً واحد و یکسانی از متغیرهای سرمایه اجتماعی در بین محلات مورد مطالعه وجود داشته است به گونه ای که ساکنین محله های قصرالدشت و معالی آباد واقع در بافت جدید و نوساز تقریباً تلقی واحدی از متغیرهای سرمایه اجتماعی در مقایسه با ساکنین محله های مهدی آباد و قآنی واقع در بافت مرکزی و بافت حاشیه ای داشته اند. این موضوع نشان می دهد که مولفه هایی مانند تعهد اجتماعی، تعلق اجتماعی، حس اعتماد و اطمینان عمومی و مشارکت مدنی در بین کلیه ساکنین محله های شهری فارغ از وضعیت کالبدی، اقتصادی و اکولوژیک آنها تضعیف شده است. مقایسه میانگین با استفاده از روش آزمون دانکن برای نواحی چهارگانه شیراز نیز با هدف دسته بندی نواحی مذکور صورت گرفت که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱۰. مقایسه میانگین شاخص سرمایه اجتماعی در سطح نواحی چهارگانه؛ تنظیم: نگارنده.

میانگین	نواحی
۳۸/۸۰۶۶ a	حاشیه ای و روستاهای پیرامون
۳۸/۹۳۵۰ a	بافت مرکزی
۴۰/۵۸۵۱ a	تاریخی - فرهنگی
۴۱/۰۹۹۹ a	جدید و نوساز
f= ۱/۰۲۰ ns	ns=بی معنی

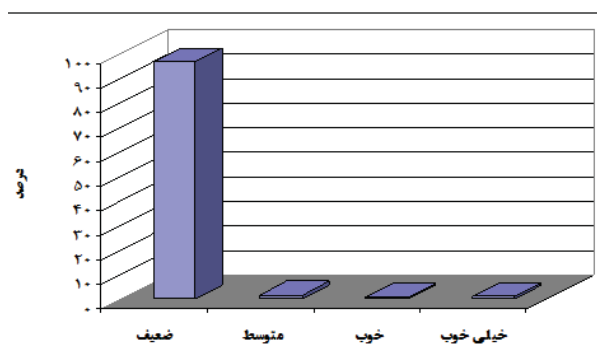
حضور در انتخابات شورای شهر و محله و اعلام دلایل مشارکت فراگیر یا عدم مشارکت را می توان از جمله متغیرهایی دانست که حسب اصول کلان صدرالذکر در چارچوب دیدگاه سرمایه اجتماعی مورد بررسی، ارزیابی و سنجش قرار گرفته اند. بررسی متغیرهای تعریف شده برای ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی محله ای در قالب سه سطح شهر، نواحی چهارگانه و محلات ده گانه شیراز صورت گرفته است. برای بررسی وضعیت و ارزیابی شاخص ها و متغیرهای سرمایه اجتماعی، محاسبه مقایسه میانگین با استفاده از تجزیه واریانس یکطرفه (Anova) در سطح نواحی چهارگانه و محلات ده گانه شیراز صورت گرفت که نتایج حاصله نشان می دهد که میزان f حاصل از تجزیه واریانس معنی دار نمی باشد. مقدار f در نواحی ۱/۰۲۰ و در محلات ۱/۶۲۳ می باشد. نتایج تحلیل داده های مربوط به وضعیت متغیرهای سرمایه اجتماعی که با استفاده از مقایسه میانگین به روش آزمون دانکن برای محلات ده گانه شیراز صورت گرفته نیز در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۹. مقایسه میانگین شاخص سرمایه اجتماعی در سطح محلات ده گانه

میانگین	محلات
۳۶/۱۲۹۱ a	مهدی آباد
۳۷/۵۹۷۱ a	قآنی
۳۸/۶۲۸۲ a	قصرالدشت
۳۹/۷۱۱۲ ab	معالی آباد-کوی پزشکان
۳۹/۷۹۴۳ ab	وصال
۳۹/۹۱۶۷ ab	شهرک پرواز
۳۹/۹۱۶۷ ab	شیخ علی چوپان
۴۰/۳۷۳۹ ab	عادل آباد
۴۰/۵۸۵۱ ab	آستانه
۴۴/۹۱۰۷ b	گلدشت
f= ۱/۳۲۶ ns	ns=بی معنی

a,ab,b معرف طبقه بندیهایی است که هر یک از محلات بنا به امتیازات در آن قرار می گیرند.

دلیل عمده وجود چنین شرایطی در سطح شهر شیراز نیز در تطبیق با وضعیت کلی حاکم بر نظام شهرنشینی و زندگی شهری در کشور قابل تحلیل باشد. پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی در شهرها به ویژه کلان شهرها، فردگرایی و بیگانگی افراد از یکدیگر، گسست اجتماعی و عدم وجود نهادهای مدنی محلی برای ایجاد پیوند و برقراری ارتباط ارگانیک بین شهروندان باعث شده است تا کمتر بتوان حس تعلق و هویت اجتماعی را همانند گذشته در نظام زندگی شهری و محله‌ای فعلی یافت نمود. در واقع در صورتیکه سرمایه اجتماعی در سطح محله‌های شهری را مبتنی بر مولفه‌ها و معیارهایی مانند اعتماد اجتماعی، تعهد و مشارکت شهروندی، همگرایی و تعاملات اجتماعی در بهبود شرایط زیست و سکونت در محله، تعلق به فضای محله و مواردی از این دست بدانیم بررسی جغرافیایی این متغیرها در سطح کلانشهر شیراز و حوزه‌های جغرافیایی مختلف آن نشان می‌دهد که شهروندان علیرغم تفاوت‌های معنی‌دار در سطح اقتصادی و اجتماعی و حتی کالبد و محیط سکونت و دسترسی به امکانات وزیر ساختهای شهری پاسخ‌های متفاوت به بررسی‌های پیمایشی نداده‌اند. این متغیرها در نقاط متمول شهر و همچنین فضاهای فقیر و فاقد امکانات پاسخ‌های یکسانی داشته‌است. در این صورت بعد اجتماعی محله و معیارهای مربوط به آن در اذهان شهروندان برداشت‌های یکسانی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. وضعیت شاخص کل سرمایه اجتماعی در سطح شهر شیراز (بعد اجتماعی): تنظیم: نگارنده.

همچنانکه ملاحظه می‌شود از نظر وضعیت سرمایه اجتماعی نواحی مورد مطالعه شیراز در یک طبقه قرار گرفته‌اند. لذا مقایسه میانگین نشان دهنده قرارگیری کلیه نواحی فارغ از شرایط متنوع کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در یک طبقه می‌باشد. این موضوع نشان دهنده یک وحدت رویه و برداشت نظری و عملی از متغیرهای سرمایه اجتماعی فارغ از ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شیراز می‌باشد. برای شهر شیراز و در مقیاس کل شهر طبقه‌بندی صورت گرفته براساس نظرات پاسخگویان در چهار طیف ضعیف، متوسط، خوب و خیلی خوب انجام شد. داده‌های پرسشنامه و تحلیل آماری صورت گرفته بر اساس روش شاخص ترکیبی در زمینه ارزیابی و سنجش متغیرهای سرمایه اجتماعی در سطح شهر نشان می‌دهد که در ۹۶/۴ درصد از محلات وضعیت سرمایه اجتماعی ضعیف، ۱/۶ درصد متوسط و ۰/۸ خوب و ۱/۲ درصد خیلی خوب بوده است. در مجموع میانگین شاخص تعیین شده برای سنجش بعد اجتماعی در قالب این دیدگاه در سطح شهر شیراز ضعیف بوده است. جدول زیر وضعیت سرمایه اجتماعی بر اساس طیف‌های تعریف شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. وضعیت شاخص کل سرمایه اجتماعی در سطح شهر شیراز (بعد اجتماعی)

وضعیت	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
ضعیف	۲۴۱	۹۶/۴	۹۶/۴
متوسط	۴	۱/۶	۹۸
خوب	۲	۰/۸	۹۸/۸
خیلی خوب	۳	۱/۲	۱۰۰
جمع	۲۵۰	۱۰۰	۱۰۰
میانگین		ضعیف	

داده‌های تحلیلی جدول فوق نشان می‌دهد که می‌توان تحقق متغیرهای موجود در زمینه سرمایه اجتماعی در شیراز را ضعیف ارزیابی نمود، لذا بخش اعظم ساکنین نواحی و محلات شهری در ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی با یکدیگر هم عقیده هستند. بنظر می‌رسد

۶- جمع بندی، استنتاج و پیشنهادات و راهکارهای دستیابی به محله های شهری اجتماع محور

از یکدیگر را به واسطه چنین نیازهای مشترکی بیشتر سازد. بررسی وضع موجود محله های شهری و داده های میدانی نشان دهنده کاهش مولفه های مربوط به ابعاد اجتماعی پایداری محله از جمله تعلق اجتماعی، مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی می باشد. مولفه هایی از جمله اجتماعی شدن غیر رسمی (دید و بازدیدها)، قدرت نفوذ شبکه های اجتماعی (نشان دهنده انواع روابط شکل گرفته بین افراد) و مشارکت فعال در انجام فعالیت های اجتماعی که می تواند منجر به ایجاد حس همبستگی، همکاری متقابل و همدلی بین ساکنین محله گردد را می توان از موارد تغییر یافته در محله های شهری امروزی قلمداد نمود. شیوه زندگی در محله های امروزی باعث کاهش رفت و آمد بین همسایگان و حتی گفتگو برای حل مسائل و مشکلات مشترک گردیده است. لذا روابط صمیمانه ای که به واسطه پیوندهای اجتماعی در محله های سنتی وجود داشت در نظام فعلی شهرنشینی حتی به واسطه وجود سرنوشت و نیازهای مشترک کمتر قابل مشاهده است و نوعی حس بیگانگی بر روابط بین افراد حاکم است. همه این شرایط باعث گردید تا حس تعلق به محله به عنوان مکان زندگی با رویکرد اجتماعی کاهش یافته و مولفه های اجتماعی آن نیز دچار کاستی های ساختاری گردد. وجود چنین نقایص و الزاماتی برای زندگی در شهرها با رویکرد توجه به کانونهای خرد نیز باعث می گردد تا برنامه ریزی مشارکتی، بسیج اجتماعی و مشارکت جمعی در دستیابی به الگوی مطلوب توسعه پایدار محله ای در کانون توجه قرار گیرد. واقعیت اجتماعی و شهری امروز باعث شکل گیری ساختارها و روابط نوینی شده که لازم است برای آن تعریف و محدوده ای جدید را جستجو کرد و متناسب با آن به طراحی و سازماندهی روابط و سپس فضای مناسب آنها پرداخت. ساختار روابط و فضاهایی که با نیازها، امکانات و خواسته های دنیای امروز سازگاری و انطباق داشته باشد. آنچه در نظام فعلی به عنوان حلقه اتصال و حذف کننده تصلب های ساختاری در بعد اجتماعی محله تلقی می شود تلاش برای تبدیل محله به یک مکان عمومی با ویژگی های اجتماع محلی و ایجاد

بررسی وضعیت اجتماعی محله در ساختار سنتی شهرهای کشور نشان می دهد که مبتنی بر نظام های اجتماعی وابسته به روابط خویشاوندی، قومی، قبیله ای، آیینی و مذهبی محله به عنوان شکلی از سکونت در ساختار سلسله مراتبی شهر با عناصر و کارکردهای معین، واحدی کالبدی - اجتماعی تلقی می گردد. ساختار کالبدی محله های سنتی در قالب عناصر مشخصی با کارکردهای تعریف شده از جمله عناصر مسکونی، ارتباطی، اقتصادی، و مذهبی نیز نشانگر وجود یک نظام سلسله مراتبی و سیستمی با هدف دسترسی ساکنین به خدمات و تسهیلات محلی و تامین کننده نیازهای آنها بوده است. این ساختار با شرایط طراحی و برنامه ریزی انجام شده در آن زمینه ایجاد تعاملات اجتماعی و اقتصادی را فراهم می نمود، به گونه ای که مراکز محله همواره کانون برخوردهای چهره به چهره و اجتماعی، بازگویی اخبار و رویداد های روزانه و مراودات اقتصادی و تامین نیازمندیهای اولیه زندگی بود. در یک نتیجه گیری اولیه ساختار محله های شهری آنرا به یک مکان اجتماعی تبدیل کرده بود و محله به عنوان یک مکان عمومی، قلمرویی از زندگی اجتماعی بود که زمینه گردهم آیی شهروندان و شکل گیری افکار اجتماعی آنها را میسر می ساخت، لذا عینیت و ذهنیتی واحد را تداعی می نمود. ورود شهرنشینی به نظامات جهانی توسعه و الزامات همراه آن باعث گردید تا عناصر ساختاری محله های شهری نیز تغییر کند. شیوه سکونت و زیست در محله های شهری با ایجاد خیابانها، آپارتمان نشینی، شکل گیری شیوه های جدید تامین نیازمندیهای زندگی از جمله مراکز خرید خارج از محله و یا راسته های تجاری در شهر باعث گردید تا به احساس فردگرایی، بیگانگی و غربت در محله های شهری دامن زده شود. شکل گیری برخی از نهادهای اجتماعی که پاسخگوی رفع نیازمندیهای زندگی امروزی است نیز باعث گردید تا همگانی بودن خدمات چنین نهادهایی زمینه کاهش حس مشارکت و فاصله افراد

یک ضرورت اجتماعی به عنوان سرنوشت

مشترک است که می‌تواند زمینه‌های لازم را برای ایجاد همبستگی اجتماعی و اعتماد بین ساکنین فراهم نماید. براساس روش‌شناسی و چارچوب نظری تعریف شده، تلاش گردید تا معیارها و متغیرهای تعیین شده برای پایداری محله در شیراز مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. داده‌های میدانی در سه سطح شامل شهر، نواحی چهارگانه و محلات ده‌گانه بر اساس مقیاس و کیفیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه ابعاد اجتماعی پایداری محله‌های شهری مطابق با اصول حاکم بر دیدگاه سرمایه اجتماعی وضعیت متفاوتی حاکم است به گونه‌ای که تحلیل صورت گرفته از عدم وجود اختلاف معنی‌دار و وضعیت ضعیف متغیرهای آن در سطح کل شهر و بین نواحی و محلات ده‌گانه حکایت دارد. چنین موضوعی فارغ از شرایط اجتماعی حاکم بر نظام شهرنشینی و توسعه شهری کشور نشان‌دهنده برداشت نسبتاً یکسانی از شاخص‌های آن در سطوح مختلف مورد مطالعه می‌باشد. این بررسی و تحلیل میدانی نشان می‌دهد که مولفه‌هایی مانند تعهد اجتماعی، تعلق اجتماعی، حس اعتماد و اطمینان عمومی و مشارکت مدنی در بین کلیه ساکنین محله‌های شهری فارغ از وضعیت کالبدی، اقتصادی و اکولوژیک آنها تضعیف شده است. لذا یکی از ابعاد واجد توجه ویژه در وضعیت فعلی محله‌های شهری بعد اجتماعی است.

در تحلیل و جمع‌بندی شرایط تحول تاریخی توجه به این نکته ضروری است که شهرنشینی و توسعه شهر و محله‌های شهری در کشور تابع دو نظام متفاوت بوده است. از دوره‌های گذشته همواره نظام سنتی و یا به تعبیری نظام مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی که ریشه‌های عقیدتی و جهان‌بینی آن بسیار عمیق می‌باشد در شکل‌گیری ساخت و بافت شهر و محله‌های شهری و تحولات اقتصادی و اجتماعی در آنها نقش داشته است. در کنار این عامل به مرور زمان و به تناسب نیازمندیها و اقتضات زمانه این نظام سنتی دچار تغییر و تحول شده است. در این تغییر نقش و تأثیر تصمیمات سیاستمداران،

حکام و فرمانروایان غیرقابل انکار است چرا که عامل تفوق اندیشه سنتی توسعه شهری و یا تقابل آن با نظام جدید تعریف شده که الهام گرفته از تفکر برون‌زا در کشور می‌باشد، تصمیمات دولتمردان بود. در تفسیر چنین ادعایی می‌توان حاکمیت مطلق اندیشه دینی، ایرانی و اسلامی را در دوران خاصی در نظام شهرنشینی ایران به راحتی لمس نمود که ساخت کالبدی شهر و محله‌های شهری دوره اسلامی تا قاجار واجد چنین ویژگی‌هایی می‌باشد. در این دوره بخش عمده‌ای از اصول و مولفه‌های سرمایه اجتماعی و حکمروایی شهری در نظامات اجتماعی و شیوه اداره امور محله‌های شهری جاری بود. تعاملات اجتماعی چهره به چهره، وجود روحیه مشارکتی در بین ساکنین، اعتماد و وجود حس هویت و تعلق به مکان را می‌توان از مصادیق آن برشمرد. همچنین در گذر از این نظام سنتی با تمسک به الگوهای شهرسازی و شهرنشینی در جهان سرمایه داری نیز می‌توان ساخت و بافت شهرهای تغییر یافته وفق این الگوها را به وضوح دید و مورد کنکاش قرار داد. ساختار توسعه شهر و محله‌های شهری از اوایل دوره پهلوی تاکنون تحت تأثیر شرایط توسعه وابسته و برون‌زا می‌باشد که شرایط چنین توسعه‌ای همواره نقش مسلطی را در تغییر شکل کالبدی و اجتماعی در شهرها ایفا نموده است.

لذا می‌توان گفت مشخصات کالبدی سیر تحول و توسعه استخوانبندی اصلی شهرهای ایرانی تا دوران معاصر عمدتاً در هماهنگی با رشد شهر قرار داشتند. یکپارچگی عناصر و فضاهای متعلق به این مجموعه و هویت ویژه آنان نیزشایان توجه است و در این چارچوب روند شهرنشینی در کشور را نمی‌توان سوای تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بسترهای فرهنگی گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

در ساختار سنتی شهرهای ایران و شکل‌گیری محله‌های شهری عوامل اجتماعی نقش عمده‌ای را ایفا نموده‌اند. در شهرهای نوین و بازسازی شده پس از دوران اسلامی همواره عواملی مانند مذهب، نژاد، قوم، قبیله و . . . نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار

محلّه ایفا می‌کردند. اما چنین شرایطی در حال حاضر برای تفکیک طبقات اجتماعی در شهرهای امروزی کمتر قابل تصور است و شرایط و عوامل دیگری مانند سطح درآمد، ایفاکننده نقش انفکاک طبقاتی در شهرها و شکل دادن به محله‌های ویژه می‌باشند. شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و سازمانهای اداره کننده امور شهری به ویژه از اواخر دوره قاجار (۱۲۸۶) و تثبیت آن در دوره پهلوی اول ۱۳۰۹ به نام شهرداری نیز ورود کشور به عرصه شبه مدرن را در پرتو سرمایه‌داری خودخواسته شکل داده است. آنچه در ساختار سنتی شهرهای ایرانی مبتنی بر حس همبستگی و تعلق خاطر و هویت تداوی می‌نمود و شهروندان می‌توانستند مشارکت جدی خود را در شکل‌دهی به ساختار محله و شهر و اداره آن به انجام رسانند، با تشکیل چنین نهادهایی به آنها واگذار گردید. این شرایط باعث گسست وابستگی‌های ارگانیک در درون محله‌های شهری گردید و شهروندان را به افراد با نگاه جزیره‌ای و فرد محور تبدیل کرد و متعاقب آن فردگرایی در نظام شهرنشینی ریشه دوانید. افراد در ساختار محله در شهرهای سنتی ایران خود را جزیی جدایی‌ناپذیر از محله قلمداد می‌کردند چرا که هویت و موجودیت آنها بستگی تام به وابستگی و همبستگی اجتماعی درون محله‌ای داشت. لذا در حال حاضر عوامل پیوند دهنده افراد درون محله‌های شهری چیزی بسیار فراتر از وابستگی‌های مذهبی، قومی و نژادی است که آنرا می‌توان سرنوشت مشترک دانست. نظام شهرنشینی و توسعه شهری که متأثر از تغییرات جهانی است باعث شکل‌گیری فضاهای جدید و روابط اقتصادی و اجتماعی متکثر و متنوع در شهرها شده است. لذا نحوه برداشت نسبت به مفهوم محله نیز فراتر از وجود محدوده کالبدی و وابستگی‌های فوق‌الذکر می‌باشد.

تغییر شیوه سکونت‌گزینی و استقرار شهروندان در بخشهای مختلف تقسیماتی شهر ایجاب می‌کند که نظامی جدید نیز برای تعریف روابط در شهرها تعیین گردد. شکل‌گیری فضاهای کالبدی مدرن، پیچیدگی فراوان تقسیم کار اجتماعی در شهرها و روابط متکثر و متنوع اقتصادی بین شهروندان، پیوند شهرها با محیط

پیرامون و گاه فضای جهانی، شکل‌گیری نهادهای جدید و مدرن اجتماعی در شهرها برای ارائه خدمات موردنیاز به شهروندان از ضرورت‌های اجتماعی توجه به محله تلقی می‌گردد. شرایط شکل‌گیری و توسعه محله‌های شهری در ادوار مختلف تاریخی از دریچه مسائل اجتماعی نشان می‌دهد که مولفه‌های کلیدی و اصول نظری سرمایه اجتماعی با مفاهیمی مانند مشارکت، اعتماد، تعهد و همبستگی اجتماعی، تعلق و هویت اجتماعی که در نظام سنتی شهرنشینی و روابط اجتماعی موجود در محله‌های شهری آن به شکل بنیادی پذیرفته شده بود و در زندگی مردم و تعاملات اجتماعی آنها جاری بود در حال حاضر تغییر شکل یافته و کم شدن چنین مولفه‌های در بین ساکنین محله‌های شهری به وضوح دیده می‌شود. فرد گرایی و احساس غربت و عزلت‌گزینی وجه غالب نظام اجتماعی امروزی در کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور قلمداد می‌شود و آنچه باعث شکل‌گیری برخی پیوندهای اجتماعی در گذشته می‌گردید در حال حاضر توسط برخی از نهادهای اجتماعی و سازمانهای مسول اداره امور ایفا می‌شود که این موضوع خود باعث کاهش بسترهای لازم برای تعاملات اجتماعی می‌گردد.

این در حالی است که بررسی و شناسایی عوامل تبیین کننده پایداری محله بر اساس تحلیل عاملی نیز نشان از تشخیص و شناسایی ۵ عامل دارد که به ترتیب اهمیت شامل عوامل کالبدی - محیطی، اجتماعی - هویتی، مدیریتی - نهادی، خدماتی - تجهیزاتی و اقتصادی می‌شود. این عوامل هر یک تبیین کننده و مرتبط با یکی از نظریه‌های پایه در زمینه پایداری می‌باشد. در همین چارچوب بعد اجتماعی - هویتی به اصول و معیارهای طرح شده در دیدگاه سرمایه اجتماعی ارتباط می‌یابد. بررسی تطبیقی موارد طرح شده حکایت از آن دارد که علیرغم اهمیت و تاثیر عوامل اجتماعی - هویتی به عنوان دومین عامل تبیین کننده پایداری محله، بررسی وضعیت موجود شاخص‌ها و متغیرهای آن نشان می‌دهد که این بعد دارای وضعیت ضعیفی در شرایط فعلی محله‌های مورد مطالعه می‌باشد. معمولاً روایی و اعتبار نتایج تحقیق را عموماً به معنای

۲. تشکر، زهرا و معینی، محمد رضا(۱۳۸۱)؛ نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴، تابستان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۴۲-۲۵.
۳. حاجی پور، خلیل(۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۳۷-۴۶.
۴. خاکباز، افشین، پویان، حسن(۱۳۸۴)؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه، چاپ اول، نشر شیرازه، تهران.
۵. رضایی، عبدالعلی(۱۳۷۵)؛ مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱۱۰-۱۰۹، مهر و آبان، صص ۶۳-۵۴.
۶. علاقبند، جواد(۱۳۸۳)؛ روند پژوهش و متغیرها، تازه های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۰۶-۱۰۱.
۷. غفاری، غلامرضا(۱۳۸۵)؛ مدخلی بر سرمایه اجتماعی، مجله سیاست داخلی، وزارت کشور، سال اول، شماره اول، زمستان، صص ۱۰۳-۷۵.
۸. فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین(۱۳۸۵)؛ سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در کلان شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۴-۱۹۷.
۹. نامی، داود(۱۳۸۶)؛ آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آن، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳۸-۲۳۷.
10. Atkinson R, Kintera K(2001), "Disentangling Area Effects: Evidence from Deprived and Non-deprived Neighbourhood" in: Urban Studies, Vol 38, pp 2277-2298.
11. Haddad I. & Maluccio. otrust(2002), "Membership Groups and Household Welfare: Evidence from Kwazulu- Natal South Africa"-FCND, Discussion Paper No35, May.
12. Kearns A, Parkinson M(2001), "The Signifi-
- شایستگی و معناداری تحقیق، صحت علمی فرایند آن، ارزشمندی و کارایی یافته‌های پژوهش می دانند. انتظار متخصصان آن است که یک تحقیق هم در کیفیت درونی خود و هم در تعمیم نتایج آن به موارد مشابه دارای قدرت و کیفیت علمی کافی باشد. مبتنی بر روش تحقیق تعیین شده و سنجش روایی ابزار اندازه گیری و پیمایش آن در سطح محله های ده گانه شهر شیراز می توان به اعتبار و رو بودن نتایج و همچنین قابل تعمیم بودن نتایج آن اذعان نمود. لذا در چارچوب مسائل پیش گفته و تغییرات اجتماعی ایجاد شده شاید جدی ترین الزام ابعادی توسعه پایدار محله ای توجه و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب تجارب محله های سنتی ایرانی - اسلامی است که در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می گردد.
۱. ایجاد فضاهای خاص گفتگو و تعامل اجتماعی در قالب پاتوق های محله ای، کلپ های دوستانه در فضای محله یا پارکهای محله ای
 ۲. تشکیل گروههای داوطلب و یاریگر محله در زمینه های مختلف اجتماعی، خدماتی و عمرانی
 ۳. توانمند سازی ساکنین محله های شهری و آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
 ۴. بستر سازی حقوقی و قانونی و اجتماعی جهت نهاد سازی برای مشارکت شهروندان در فرایند تهیه و اجرای طرحهای عمرانی و خدماتی و اجتماعی در محله از جمله نگرهبان محله، شهردار محله، آتش نشان محله و ...
 ۵. ظرفیت سازی برای تحقق نیازمندیهای افشار اجتماعی خاص به ویژه زنان، سالمندان و کودکان در محله
 ۶. زمینه سازی جهت ایجاد و تقویت حس تعلق اجتماعی به محله و فضای آن در قالب نهادهای اجتماعی و مذهبی موجود از جمله هیاتهای مذهبی و سازمان های مردم نهاد
 ۷. برگزاری جشنواره های فرهنگی و اجتماعی در سطح محله و بین محله های شهر با هدف شکل گیری فضای تعامل و علقه های اجتماعی و شهروندی

منابع و ماخذ

۱. از کیا، مصطفی و دربان آستانه، علی(۱۳۸۲)؛ روشهای کاربردی تحقیق، چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران.

cance of Neighbourhood” in: Urban Studies, Vol 38, pp2103-2110.

13. Lin, Nan(1999), “Building a Network Theory of Social Capital Connections”. INSNA, 22(1), 28-51.

14. Pacion, Micheal(2005), “Urban Geography”, A Global Perspective”, Second Edition, Routledge.

15. Raco, M(2007), “Building Sustainable Communities-Spatial Policy, Place Imagination and labour Mobility in post war in Britain”, Bristol, Policy Press.

16. Woolcock M. And Narayan(2002), “Social Capital: Implications For Development Theory”, Research And policy, The World Bank Research, Vol 115, No 2, pp78-91.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۲ پاییز ۹۲
No.32 Autumn 2013